



شرایط حاکم بر قرارداد های متعذر شده

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵)

محسن علی نژادی^۱

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی و علوم سیاسی

زهرا علی نژادی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

چکیده

در حقوق موضوعه، تعذر حادث شده و علتی که موجب ناممکن شدن اجرای قرارداد و عدم ایفای تعهدات ناشی از آن می‌گردد، نباید قابلیت استناد را به متعهد داشته باشد و از حیثه اقتدار وی خارج باشد، در غیر این صورت متعهد کماکان مسئول عدم اجرای قرارداد خواهد بود. در فقه قاعده ای تحت عنوان « بطلان کل عقد بتعذر الوفاء بمضمونه»، بیان گردیده و تفاوتی نمی‌کند تعذر وفا عقد از جانب یکی از طرفین یا از جانب هر دو باشد. در قانون ما از این قاعده به تعذر اجرای عقد، تعبیر می‌گردد. هر تعذری موجب بطلان عقد نمی‌گردد. در این مقاله شرایط و آثار قراردادهای متعذر شده و نقد دیدگاه‌های فقها و حقوقدانان پیرامون این بحث در حقوق موضوعه مورد بررسی قرار می‌گیرد تا شاید خلاء تحقیقاتی موجود جامعه حقوقی در این راستا مرتفع گردد.

واژگان کلیدی: تعهد، قرارداد، تعذر، بطلان، انحلال قهری

^۱ نویسنده مسئول



بخش اول: کلیات

امروزه در حقوق تعهدات، اصل ثبات یا استحکام قراردادها را، بعنوان یک قاعده کلی و عمومی به رسمیت می‌شناسند. نتیجه عملی این اصل، الزام طرفین به پایبندی به انجام تعهدات مندرج در قرارداد است. ساده‌ترین راه برای پایان دادن به قراردادها، پایبندی طرفین به مفاد آن است. اما در برخی موارد، به دلایلی وفای به عهد دشوار و گاه غیرممکن می‌گردد. عدم امکان اجرای قرارداد، ممکن است به سبب بی‌مبالاتی و تقصیر طرفین قرارداد، یا به گونه‌ای قابل انتساب به آنان باشد این امکان نیز وجود دارد که متعاقدين نقشی در شرایط بوجود آمده نداشته باشند به عبارت دیگر انجام نشدن تعهد، خارج از خواست و اراده آنان باشد. قاعده الزام آور بودن قرارداد، با استثنائاتی که از آن‌ها به معاذیر قراردادی تعبیری می‌شود، مواجه گردیده است. معاذیر قراردادی اموری هستند که براساس آن طرفین قرارداد می‌توانند به طور قانونی، خود را از پیامدهای قصور در اجرای تعهدات خویش معاف کنند. برخی معاذیر، غیرارادی و بعضی دیگر ارادی هستند. معاذیر غیرارادی، یا به طور کلی اجرای قرارداد را ناممکن می‌سازند و یا صرفاً در «عدم امکان اجرا» موجب دشوار شدن اجرای قرارداد می‌گردند. وضعیت سیستم‌های مختلف حقوقی و در اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی، با اصطلاحاتی هم‌چون «قوه قاهره»، «انتفای اجرای قرارداد» و «تعذر وفا به عقد» شناخته می‌شود؛ در حالی که مفاهیم «قاعده نفی عسر و حرج»، «معاذیر غیرقابل پیش»، «غیرعملی شدن تجاری قرارداد»، «از بین رفتن مبنای قرارداد»، «دشواری شدید غیر مترقبه»، «بیانگر وضعیت دشوار شدن اجرا در اسناد در کشورهای مختلف است. حال در این مقاله این سوال به نظر می‌رسد، در صورت معاذیر بوجود آمده در قراردادها پیامدهای اجرای تعهدات چگونه است؟ و چه تفاوتی میان معاذیر ارادی و غیر ارادی، در قراردادها وجود دارد؟ در پاسخ به قسمت اول این سوال باید گفت در صورتی که تعذر، برای همیشه اجرای قرارداد را غیر ممکن کند، عقد خود به خود منحل می‌شود و اگر متعذر شدن اجرا تنها به مدت زمان خاصی محدود می‌گردد، عقد منحل نمی‌شود، لیکن متعهدله مجبور نیست، تا رفع تعذر منتظر بماند و می‌تواند با اعمال خیار تعذر اجرای تعهد و تسلیم، از قراردادی که تعهدی، له یا علیه او ایجاد کرده، رهایی یابد. در پاسخ به



قسمت دوم سوال باید گفت معاذیر غیرارادی، یا به طور کلی اجرای قرارداد را ناممکن می سازند و یا صرفاً موجب دشوار شدن اجرای قرارداد می گردند. چنانچه معاذیر مزبور قابل پیش بینی نبوده و بدون قصور و خارج از کنترل مدعی باشد، او مسئولیتی در قبال تعهدات قراردادی ندارد اما چنانچه معاذیر ارادادی باشد هر کدام از طرفین که قصور کرده در قبال تعهدات قراردادی مسئولیت دارند.

بند اول: قاعده «تعدر وفا به عقد»، در فقه

هرگاه طرفین به امری ملتزم شوند و پس از عقد، ایفای آن برای همیشه ناممکن گردد مطابق قاعده تعدر وفا به عقد معامله برحسب شرایط، باطل و منفسخ می شود. خواه تعدر مربوط به یک طرف معامله یا هر دو باشد. این قاعده بیشتر دامنگیر عقود مستمر همچون اجاره می شود. و در تمام عقود حتی عقوداذنی جریان دارد. این قاعده به استناد اجماع، نظر مخالف، نفی تکلیف ما لایطاق، لزوم غرر، و لزوم ارتفاع نقیضین حجیت می یابد. خارجی بودن سبب تعدر یا عدم دخالت متعاقدین در ایجاد و ارتفاع آن، اجتناب ناپذیری و قابل پیش بینی نبودن تعدر، عدم تعدر هنگام عقد و ایجاد آن پس از عقد، و دائمی بودن تعدر است که در فرض اجتماع، متعاقدین از انجام تعهدات بری خواهند گردید. تعدر را می توان به تعدر، موقت و دائمی، ابتدائی و عارضی، جزئی و کلی، و اصلی و فرعی تقسیم بندی نمود. (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۴۵). مصادیق فقهی قاعده تعدر وفا را می توان تلف مبیع قبل از قبض، تعدر شرط فعل، نایاب شدن مبیع یا ثمن در زمان تحویل (در بیع سلف) و تعدر در عقود وکالت و اجاره برشمرد. در قانون مدنی ایران، عدم امکان اجرای عقد به سبب تلف مورد معامله در مواد (۳۷۸ و ۴۸۳)، منتفع شدن تعهد ماده ۲۴۰ و نیز وقوع حادثه خارجی مواد (۲۲۷ و ۲۲۹) را می توان مصادیق قانونی تعدر وفا به شمار آورد. در صورت اقاله^۱، در مقام بازگرداندن دو عوض، حق حبس از بین نمی رود، زیرا اقاله نیز خود نوعی عقد است ولی فسخ بیع، باعث انحلال عقد و سقوط حق حبس است. هرگاه تسلیم ناشی از اکراء یا اشتباه باشد حق حبس از بین نمی

۱ - جعفری لنگرودی در ترمینولوژی حقوق اقاله را: به هم زدن عقد لازم است به تراضی یکدیگر و آن را تفاسخ و تقایل نیز می نامند. ماده: (۲۸۳) قانون مدنی.



رود. (امامی، ۱۳۸۳، ص ۵۲۹). مانند تسلیم مبیع بر مبنای چکی که خریدار اظهار داشته است که دارای محل می باشد در حالی که بلامحل بوده است. انفساخ اجاره، مختص موردی است که تلف عین در اثر حوادث قهری و طبیعی باشد ولی هرگاه شخص موجر یا دیگری سبب تلف مال شود، اثری در عقد اجاره ندارد و مستاجر می تواند بر طبق قواعد مسئولیت مدنی، به شخص رجوع کرده و اجرت المثل بگیرد. (امامی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵). تلف اجاره در صورتی موجب انفساخ عقد اجاره است که عین مستاجر «عین معین» باشد، اما در عین کلی، چون آنچه تسلیم شده است، مصداقی از کلی است. مستاجر می تواند، فرد دیگری را از آن کلی درخواست کند. اگر عدم اجرای تعهد، مستند به فعل متعهد له باشد به مانند قوه قاهره رافع مسئولیت متعهد است مانند اینکه در قرارداد مشارکت درخواستی، سازنده متعهد به تخریب و نوسازی بنا باشد اما مالک از تخلیه ملک و تحویل آن به سازنده خودداری نماید. قوه قاهره، اگر دائمی باشد، تعهد را ذایل می کند ملاک مواد ۳۸۷ و ۵۲۷ و اگر موقتی باشد اصولاً تعهد را، تا رفع مانع، معلق می کند در این صورت مدت دوران تعلیق به مهلت اجرای تعهد افزوده خواهد شد، البته در فرض اخیر متعهد له می تواند به استناد خیار تعذر تسلیم، عقد را در دوران تعلیق فسخ نماید.

بند دوم: معنا و مفهوم خیار تعذر

تعذر از مصدر بابا تفاعل است و ریشه آن عذر به معنای بهانه، یا حجتی برای عدم انجام کار متعهد شده است. (قریشی، ۱۳۶۱، ص ۳۱۰). (انیس، ۱۳۷۶، ص ۵۹۰). خیار تعذر حق فسخ قرارداد ای است که در صورتی که اجرای تعهد به دلایلی خارج از اراده متعاقدین برای مدت زمان محدودی ناممکن می گردد. این خیار، بیش از آن که مبنای حقوقی داشته باشد، متکی به مبنای فقهی است و در فقه به مناسبت بحث از شرایط بیع، از آن سخن به میان آمده است. برخی از حقوقدانان نیز به وجود خیار فوق اشاره کرده اند و برای توجیه مبنای آن به ماده ۲۴۰ قانون مدنی استناد جسته اند. (صفایی، ۱۳۸۳، ص ۳۰۲). ماده ۲۴۰ قانون مدنی مقرر می دارد: «اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است کسی که شرط



بر نفع او شده است اختیار فسخ^۱ معامله را خواهد داشت مگر اینکه امتناع مستند به فعل مشروط له باشد». اختیار فسخ معامله در صورتی است که مشروط له از امتناع شرط آگاه نباشد. اما اگر پس از عقد معلوم شود که انجام شرط حین العقد ممتنع بوده است و مشروط له از این امر اطلاع نداشته است، مشروط له حق فسخ معامله را ندارد. زیرا مشروط له می دانسته است که انجام این عمل و شرط غیر ممکن است و وی حق فسخ معامله را ندارد، با این وجود معامله ای که انجام شرط در آن ممتنع باشد یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است، صحیح است و فقط مشروط له اختیار فسخ معامله را دارد. مثلاً بین صادق و رضا یک معامله ای صورت می گیرد و صادق برای رضا شرط می گذارد که باید برای من اتومبیل خارجی که از گمرک وارد می شود را تحویل بگیری. در اینجا صادق مشروط له معامله و رضا مشروط علیه این معامله است. بعد از معامله ورود اتومبیل خارجی به ایران ممنوع شده و انجام شرط غیر ممکن می شود. در این صورت طبق ماده ۲۴۰ قانون مدنی صادق «مشروط له معامله» می تواند معامله را فسخ کند. فسخ کردن معامله به شرطی است که آقا صادق خیر نداشته باشد که ممکن است واردات اتومبیل ممنوع شود. همین قاعده در مورد شرطی که حین العقد «زمان تشکیل عقد» ممتنع بوده و غیر قابل انجام باشد، اجرا می شود. (اسدی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۸، ۱۶۷).

بند سوم: وضعیت قرارداد پس از وقوع تعذر

هر زمان که پابندی به مفاد قرارداد در هنگام عقد آن متعذر گردد، تعذر اصلی نام دارد. در این حالت، اسباب وقوع تعذر مانع از تشکیل عقد می شود. تعذر اصلی، در فقه تحت عنوان شرط قدرت بر تسلیم به عنوان شرط موضوع تعهد مورد بررسی قرار گرفته است. (حکیم ۱۳۷۱، ص ۳۹۵ و نجفی، ۱۳۹۴، ص ۳۹۰). فرض تعذر اصلی پس از ایجاد تعهد یا در اثنای اجرای آن، در همه عقود جاری نیست بلکه تنها در عقود مستمر قابل تصور است، از همین رو، برخی متعذر شدن اجرای تعهد در برخی عقود، از قبیل اجاره را موجب بطلان آن میدانند. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۴۱۲، ۳۰۲). اگر تعذر پس از حدوث، برای همیشه اجرای تعهد یا تسلیم را ناممکن سازد، در این وضع تعذر دایمی است. اما، تعذر موقت، هنگامی بوجود می آید که

1. Resolution 4-



مدت زمان تعذر محدود است و از نظر عرفی، امکان اجرای تعهد امکان پذیر باشد. بنابر این، محدودیت زمانی تعذر، محدودیت عرفی است و بر همین مبنا، در تعذر طاری از آنجا که احتمال قدرت بر تسلیم، عرفاً و عقلاً منتفی نیست فقها آن را به تعذر دایم الحاق نمی نمایند. (انصاری، ۱۳۷۵، ص ۳۱۳). برخی از فقها وجود اطمینان به قدرت بر تسلیم را شرط صحت عقد دانسته اند، با این استدلال که در مفهوم غرر، عدم اطلاع اخذ شده است. پس با علم و اطلاع به قدرت بر تسلیم، معامله غرری نخواهد بود و نتیجه می گیرند که اگر طرفین در هنگام عقد، اطمینان بر مقدورالتسلیم بودن مورد تعهد داشته باشند، ولی پس از آن معلوم شود که هنگام عقد، مورد معامله مقدورالتسلیم نبوده است، چنانچه بعداً قدرت بر تسلیم حاصل شود، عقد مذکور صحیح خواهد بود و اگر قدرت بر تسلیم حاصل نشد، عقد باطل خواهد بود. (انصاری، ۱۳۸۳، ص ۱۷۶).

بند چهارم: معاذیر ارادی و غیر ارادی

هر طرف قرارداد می تواند شرط کند که چنانچه در مسیر اجرا با موانعی هر چند ارادی مواجه شود، مسؤولیتی در قبال دیگری نداشته باشد و یا مسؤولیت وی کاهش یابد. همچنین ممکن است با ممانعت ارادی یک طرف از اجرای تعهدات خود، طرف دیگر نیز از اجرا ممانعت ورزد. معاذیر غیرارادی یا به طور کلی اجرای قرارداد را ناممکن می کند و یا صرفاً آن را که هر دو حالت « تغییر اوضاع و احوال » دشوار می سازد. از این رو پس از طرح نظریه ی « دشواری اجرا » و « عدم امکان اجرا » را در بر می گیرد، به تفکیک به دو وضعیت قرارداد و آثار آنها در نظام های مختلف حقوقی می پردازیم. اگر اوضاع و احوال حاکم بر زمان عقد، آن گونه دستخوش تغییرات اساسی شود که نیل به هدف اصلی آن برای یک طرف یا هر دو ناممکن گردد، چنانچه تغییرات مزبور قابل پیش بینی نبوده و بدون قصور و خارج از کنترل مدعی باشد، او مسؤولیتی در قبال تعهدات قراردادی ندارد. ماده ۷۹ کنوانسیون بیع بین المللی کالا به موضوع قوه قاهره و آثار آن در بیع بین المللی می پردازد و برگرفته از رویه نظام رومی ژرمنی، هر دو طرف قرارداد و هریک از تعهدات ایشان را شامل می گردد. مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران نیز به اثر قوه قاهره در قرارداد اشاره دارد و در بند ۲ ماده ۱۳۱۲ قانون



مذکور، مصادیق، تمثیلی آن بیان شده است. حوادث غیرمترقبه و مطابق بند ۴ ماده ۱۳۱۲ قانون مدنی، حادثه غیرمنتظره، نباید منتسب به متعهد باشد. لذا چنانچه تخلفی نماید که نقشی در ایجاد حادثه ندارد، مسؤولیتی در پرداخت خسارت نخواهد داشت. مطابق ماده ۱۲ قانون مسؤولیت مدنی؛ برای کارفرما مسؤولیت نوعی و محض ایجاد نشده است، بلکه فرض تقصیر شده است. کارفرما می تواند خلاف آن یعنی عدم تقصیر خود را ثابت کرده و از مسؤولیت بری شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰). زیان دیده می تواند بر اساس این ماده و بدون نیاز به اثبات تقصیر کارفرما، به کارفرما و یا به استناد ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی به طور مستقیم به کارگر یا کارمند رجوع کند. مطابق ماده ۳۸۶ قانون تجارت تعهد به حمل و نقل تعهد به نتیجه می باشد. در حالی که در قانون مدنی تعهد به حمل و نقل تعهد به وسیله می باشد. (آزاد پور، ۱۳۹۵، ص ۳۴۴).

بند پنجم: معافیت متعهد در صورت وقوع تعذر

اصل لزوم قراردادهای، طرفین قرارداد را ملزم به ایفای تعهدات میکند. به طور معمول عدم اجرای قرارداد، اجبار متعهد به جبران خسارت را به همراه دارد. اما این به آن معنی نیست که هرگاه اجرای تعهد با مانع روبرو شود، متعهد مکلف است خسارت بپردازد. از این رو هرگاه متعهد با توسل به عذر موجه ثابت کند که متعذر شدن اجرای تعهد خارج از اراده اوست، از مسؤولیت پرداخت خسارت رهایی می یابد. به عبارت دیگر، زمانی متعهد مکلف به پرداخت خسارت می شود که قرارداد به واقع متعذر شده باشد. (بنایی اسکویی، ۱۳۹۲، ص ۵۹). در مواردی که غیر ممکن شدن اجرای قرارداد ناشی از فعل یا ترک فعل متعهد باشد، واضح است که متعهد در قبال غیر ممکن شدن اجرای قرارداد معذور نخواهد بود. در مقابل در مواردی که قرارداد به واسطه تقصیر متعهدله غیر قابل اجرا شده باشد، متعهد از اجرای قرارداد معاف خواهد شد. اما مشکل مربوط به فرضی است که هیچ یک از طرفین مرتکب تقصیری نشده است. اگر احتمالی که اجرای قرارداد را غیر ممکن می سازد چنان باشد که نظر طرفین قرارداد (اگر به آن توجه می کردند) آشکارا و بدون نیاز به تصریح در قرارداد، آن را موجب سقوط تعهدات قراردادی می دانستند، در این صورت وقوع آن رخداد، اجرای قرارداد را ساقط



خواهد کرد. در مواردی که اجرای قرارداد منوط به وجود آینده یا وجود مستمر عین معین باشد، عدم تحقق آن یا از بین رفتنش بدون تقصیر متعهد، موجب سقوط تعهد متعهد خواهد شد. اما در مواردی که موضوع قرارداد عین معین نیست، بلکه کلی است، اگر عینی که متعهد قصد داشته با آن تعهدش را ایفا کند، حتی بدون تقصیر او به وجود نیاید یا از بین برود، تعهد متعهد ساقط نخواهد شد. اگر فوت یا عدم اهلیت متعهد یا شخصی که متعهد تعهد به فعل او کرده، مانع، اجرای قرارداد در خصوص تعهدات قائم به شخص شود، معمولاً متعهد از اجرای تعهد معاف می‌شود. اما فوت یا عدم اهلیت متعهدله موجب خاتمه قرارداد نخواهد شد.

بند ششم: نامقدور بودن تسلیم

ظاهر ماده ۴۸۳ قانون مدنی که به موجب آن چیزی که بایع^۱، قدرت بر تسلیم آن ندارد باطل است، مگر اینکه مشتری قادر بر تسلیم باشد، دلالت بر این دارد که قدرت بر تسلیم وصف متعاملین است، نه مورد معامله. در مقابل، قانون مدنی مقدورالتسلیم بودن را در کنار مالیت و منفعت عقلایی داشتن، به عنوان یکی از شرایط مبیع، ذکر کرده و در کتب فقهی نیز قدرت بر تسلیم در مبحث شرایط عوضین مورد بحث قرار گرفته است. از این رو باید از این ظهور بدوی گذشت و مقدورالتسلیم بودن را وصف مورد معامله دانست. در واقع، تسلیم، وسیله رسیدن مشتری به مالی است که در نتیجه عقد بیع، مالک شده است و به عبارتی، تسلیم طریقت دارد. پس آنچه مهم است رسیدن متعهدله به علت غایی است که وی را به انعقاد عقد وادار کرده است، اعم از اینکه فراهم کننده این وسیله، متعهد باشد یا خود متعهدله یا شخص ثالث البته با هزینه متعهد. (لطفی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳). بر این اساس، نامقدور بودن هنگامی موجب بطلان قرارداد است که مطلق باشد یعنی هیچ کس بر حسب جریان عادی امور، نتواند آن را تسلیم کند و نامقدور بودن نسبی، یعنی عدم قدرت متعهد با امکان ایفای تعهد به وسیله اشخاص دیگر موجب بطلان قرارداد نیست و تنها سبب مسئولیت متعهد در صورت عدم ایفای تعهد است. (صفایی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷). عدم قدرت بر تسلیم، زمانی موجب بطلان عقد می‌شود که مورد معامله نه تنها نسبت به طرفین قرارداد، بلکه نسبت به هر شخص دیگر نیز عادتاً غیرممکن



باشد. پس آنچه موجب بطلان عقد می‌گردد، فقدان مطلق قدرت بر تسلیم است، منتها عدم قدرت بر تسلیم باید نسبت به افراد عادی سنجیده شود. (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ص ۲۴۵). اگر مورد معامله برای افراد معمولی، مقدور التسلیم نباشد معامله باطل خواهد بود ولو اینکه یک شخص فوق العاده نسب به آن قادر باشد. در فرضی که در قرارداد، صریحا یا ضمنا شرط شده باشد که متعهد شخصا موضوع قرارداد را اجرا کند و بعد معلوم شود که متعهد توانایی انجام مورد تعهد را نداشته، عدم قدرت بر تسلیم، مطلق و موجب بطلان عقد خواهد بود ولو اینکه تسلیم یا اجرای مورد تعهد توسط دیگران ممکن باشد. (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۸؛ حکیم، ۱۳۸۷، ص ۵۰). مرحوم صاحب جواهر عجز از تسلیم را مانع، صحت عقد دانسته و بر این اساس معتقد است اگر طرفین در زمان انعقاد عقد نسب به قدرت بر تسلیم تردید داشته باشند، عقد صحیح خواهد بود و چنانچه پس از عقد، عدم قدرت بر تسلیم مسلم گردد، طرف متضرر می‌تواند با استفاده از خيار فسخ، معامله را منحل کرده، ضرر خود را جبران کند و در این مورد نمی‌توان با استناد به روایت نفی غرر، معامله را غرری و باطل اعلام کرد زیرا روایت مزبور مربوط به مواردی است که مقدار، جنس یا وصف مورد معامله هنگام عقد مجهول و برای یکی از طرفین احتمال ضرر باشد. اما در موردی که طرفین شرایط و عوض قرارداد را با توجه به تردید در وجود قدرت تعیین می‌کنند، ضرر و غرر منتفی است. (نجفی، ۱۴۰۴، ص ۳۹۲). قدرت بر تسلیم، شرط صحت عقد است و اگر بتوان به روایت نفی غرر برای بطلان عقد در صورت جهل به مقدار، جنس و وصف مورد معامله استناد کرد، به طریق اولی می‌توان آن را دلیل بطلان عقد در صورت تردید در قدرت بر تسلیم دانست؛ زیرا چنین معامله‌ای قطعاً غرری بوده و برای متعهدله در بردارنده خطر مالی است و باید گفت که قدرت بر تسلیم شرط صحت عقد است اما وجود تردید در امکان تسلیم، همیشه موجب بطلان عقد نیست. (انصاری، ۱۳۸۳، ص ۱۷۳).

نتیجه گیری

معاذیر قراردادی، استثناء بر اصل لزوم هستند که مطابق آنها طرفین قرارداد می‌توانند از آثار قصور در اجرای تعهدات قراردادی خود رهایی یابند. برخی معاذیر، بدون اراده طرفین و بعضی دیگر با اراده یک طرف یا هر دو آنها ایجاد می‌گردد. در صورتی که تعذر، برای همیشه

اجرای قرارداد را غیر ممکن کند، عقد خود به خود منحل می شود و اگر متعذر شدن اجرا تنها به مدت زمان خاصی محدود می گردد، عقد منحل نمی شود، لیکن متعهدله مجبور نیست، تا رفع تعذر منتظر بماند و می تواند با اعمال خیار تعذر اجرای تعهد و تسلیم، از قراردادی که تعهدی، له یا علیه او ایجاد کرده، رهایی یابد. معاذیر غیرارادی، یا به طور کلی اجرای قرارداد را ناممکن می سازند و یا صرفاً « ناممکن شدن اجرای » موجب دشوار شدن آن می گردند. هرگاه اجرای قرارداد، به نحو غیرارادی متعذر شود و این تعذر دائمی باشد، قرارداد منفسخ می گردد. چنانچه تعذر، موقتی و عام باشد، قرارداد تا رفع مانع، به حالت تعلیق در می آید و اگر تعذر خاص متعهد باشد، متعهدله حق فسخ قرارداد را خواهد داشت. معاذیر غیرارادی، چنانچه قابل پیش بینی نبوده و بدون قصور و خارج از کنترل مدعی باشد، او مسئولیتی در قبال تعهدات قراردادی ندارد اما چنانچه معاذیر ارادادی باشد هر کدام از طرفین که قصور کرده در قبال تعهدات قراردادی مسئولیت دارند.





منابع و مأخذ

منابع فارسی:

- ۱- آزادپور، مهدی، ۱۳۹۵، شرح جامعه قانون تجارت، چاپ دوم، ویرایش دوم، انتشارات اندیشه ارشد.
- ۲- امامی، حسن، ۱۳۸۳، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ بیست و چهارم، انتشارات اسلامیة.
- ۳- امامی، حسن، ۱۳۹۰، حقوق مدنی، جلد دوم، چاپ بیست و سوم، انتشارات اسلامیة.
- ۴- انصاری، شیخ مرتضی، ۱۳۷۵، مکاسب، یک جلدی، موسسه نشر اسلامی.
- ۵- اسدی، بهنام، ۱۳۹۴، حقوق یار حقوق مدنی، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات موسسه قانون یار.
- ۶- بنایی اسکویی، ۱۳۹۲، تعدیل قرارداد در صورت حدوث تعذر مالی، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۱ بهار ۱۳۹۲.
- ۷- صفایی، سید حسین، ۱۳۸۲، ش، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد دوم، تهران، انتشارات میزان.
- ۸- صفایی، سید حسین، ۱۳۸۶، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
- ۹- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۶، قواعد عمومی قراردادها، ۵ جلدی، چاپ دوم. انتشارات بهمن برنا.
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵، دوره مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی، چاپ دهم. شرکت سهامی انتشارات.
- ۱۱- لطفی، اسدالله، ۱۳۸۸، ش، سلسله مباحث فقهی - حقوقی عقد بیع، تهران خرسندی.

منابع عربی:

- ۱۲- انیس، ابراهیم، ۱۳۶۷، المعجم الواسیط، الجزء اول و الثاني، چاپ هفتم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



- ۱۳- انصاری، شیخ مرتضی، ۱۳۸۳ ش، کتاب مکاسب، بیجا، ماسسه الامام المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ دوم، جلد دوم.
- ۱۴- شهیدثانی، ۱۴۱۰ ق، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، جلد سوم، کتابفروشی داوری.
- ۱۵- حکیم، سید محسن، ۱۳۷۱ هجری، نهج الفقاهه، شرح بر مکاسب، چاپ سربی.
- ۱۶- حکیم، عبدالمجید، ۱۳۸۷ ش، الوسیط فی نظریه العقد، بغداد، بی تا.
- ۱۷- نجفی، شیخ محمد حسن، ۱۳۹۴ هجری، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلدهای ۲۷، ۲۵، ۲۲، ۴، چاپ ششم، دارالکتب الاسلامیه و همان عنوان، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۶ هجری شمسی.
- ۱۸- نجفی، شیخ محمدحسن، ۱۴۰۴ ق، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ ششم، جلد بیست و دوم، بی جا، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۹- نائینی، محمد حسین، ۱۳۵۵/۱۴۱۸ ق، منیه الطالب، جلد ۱، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۲۰- نراقی، احمد بن محمد، ۱۳۷۵، عوائد الایام، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۲۱- قریشی، علی اکبر، ۱۳۶۱، قاموس قرآن، جلد سه و چهار، چاپ سوم، دارالکتب الاسلامیه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی